

## قساوت قلب؛ علل شکل‌گیری و راه‌های پیش‌گیری

حجت الاسلام والمسلمین حسین احسانی‌فر\*

### اشاره

خداوند همه آسمان‌ها و زمین و هر آنچه را در بین آن‌ها است، بر اساس حق آفریده است.<sup>۱</sup> همچنین با توجه به آیات دیگر<sup>۲</sup>، خداوند «حق‌گرایی» و «باطل‌ستیزی» را به بهترین صورت، در سرشت انسان نهادینه نموده است و تمام احکام و دستورهای دینی نیز هماهنگ با نظام تکوین و فطرت انسان، بر محور حق استوار گردیده است؛<sup>۳</sup> اما با این حال، می‌بینیم که بیشتر انسان‌ها از پذیرش «دین حق» روی می‌گردانند. دلیل این امر چیست؟

برای دریافت پاسخ این سؤال، باید دست‌نیاز به سوی، سرچشمه حق، یعنی قرآن و مظهر تام آن، اهل بیت علیهم‌السلام بگشاییم. آموزه‌های وحیانی و روایی به ما می‌آموزد که

---

\* پژوهشگر.

۱. احقاف، آیه ۳: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ.»

۲. تغابن، آیه ۳: «[خداوند] آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را [در عالم جنین] تصویر کرد؛ تصویری زیبا و دل‌پذیر و سرانجام [همه] به سوی او است.»

۳. صف، آیه ۹: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ.»

پاسخ این پرسش را باید در وجود خودمان بیابیم. باید به قلب خویش رجوع کنیم؛ زیرا قلب باطنی و معنوی، همانند قلب جسمانی، گاهی سالم و گاهی مریض می‌شود؛ آن زمان که سالم است، حق‌گرا است و زمانی که مریض می‌شود، از حق فاصله می‌گیرد. این نوشتار در صدد آن است که ضمن اشاره به ضرورت شناخت این بحث، مفهوم قساوت قلب، علل بروز آن و نیز راه‌های پیشگیری و درمان آن را بررسی نماید.

### ضرورت شناخت قساوت قلب

شناخت قساوت قلب و علل و نشانه‌های آن، امری ضروری است؛ زیرا قلب باطنی اگر خاصیت ذاتی خود را از دست دهد، تمام استوانه‌های اصلی شخصیت آدمی فرو می‌ریزد و پایه‌های دین او سست شده و اخلاق و انسانیت وی در سراشیبی سقوط قرار می‌گیرد؛ به دیگر بیان، قساوت قلب، نوعی بیماری روحی است که بر اثر گناهان به وجود می‌آید و در صورت عدم درمان، فرد را به سوی نفاق، کفر و تکذیب آیات الهی سوق می‌دهد.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَا ضُرِبَ عَبْدٌ بِعُقُوبَةٍ أَعْظَمَ مِنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ؛<sup>۱</sup> برای بنده، مجازاتی بزرگ‌تر از قساوت قلب نیست»؛ زیرا «مَنْ قَسَا قَلْبُهُ بَعْدَ مِنْ رَبِّهِ؛<sup>۲</sup> کسی که به قساوت دچار شود، از رحمت خدا دور می‌گردد.» امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود: «مِنْ أَعْظَمِ الشَّقَاوَةِ الْقَسَاوَةُ؛<sup>۳</sup> از بزرگ‌ترین بدبختی‌ها، سنگ‌دلی و بی‌رحمی است.» آری، دوری از خدا، نتیجه‌ای جز شقاوت و بدبختی ندارد.

نکته قابل توجه این است که «سنگ‌دلی»، همانند سرطان، از یک نقطه و کم شروع می‌شود و اگر زود به فکر درمان آن نباشیم، ریشه‌های آن به تدریج گسترش می‌یابد.

۱. الحرائی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۶.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۱۹۹.

۳. تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، قم: مکتب الأعلام الاسلامی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۶۷.

## مفهوم سلامت و تساوت قلب

قلب سالم که قرآن کریم<sup>۱</sup> از آن به «قلب سلیم»<sup>۲</sup> تعبیر می‌کند، در معارف قرآنی، مرکز اصلی عقیده و محور معنویات و کانون عواطف انسانی است. از این رو، همه خصلت‌های روحی، مانند عاطفه و بیداری وجدان و سایر نمادهای آدمیت، برخاسته از قلب است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«أَنَّ لِلَّهِ فِي عِبَادِهِ آيَةً وَهُوَ الْقَلْبُ فَأَحْبُّهَا إِلَيْهِ أَصْفَاهَا وَأَصْلَبُهَا وَأَرْقُّهَا أَصْلَبُهَا فِي دِينِ اللَّهِ وَأَصْفَاهَا مِنَ الذُّنُوبِ وَأَرْقُّهَا عَلَى الْإِخْوَانِ؛ خداوند در میان بندگان خود ظرف‌هایی دارد و آن، قلب آنان است. پس محبوب‌ترین [و سالم‌ترین] قلب‌ها نزد خدا، صاف‌ترین و سخت‌ترین و رقت‌آمیزترین آن‌ها است. سخت‌ترین آن‌ها در راه خدا، و صاف‌ترین آن‌ها از گناهان، و رقت‌آمیزترین آن‌ها برای برادران دینی.»

اما قلوب ناسالم و بیمار که قرآن از آن به قلب مریض<sup>۳</sup>، ناپاک<sup>۴</sup>، غافل<sup>۵</sup>، مطبوع<sup>۶</sup>، مختوم<sup>۷</sup>، مقفول<sup>۸</sup>، در غلاف<sup>۹</sup> و قلب متکبر و جبار<sup>۱۰</sup> یاد می‌کند، قلبی است که گرفتار «تساوت» و کوردلی شده است. تساوت به معنای خشونت، سختی و نفوذ ناپذیری،

۱. شعراء، آیه ۸۹؛ صافات، آیه ۸۴.

۲. به قلبی که از هر گونه شرک، کفر، نفاق و آلودگی به فساد و گناه سالم باشد، قلب سلیم می‌گویند. (کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶)

۳. منسوب به امام رضا علیه السلام، فقه الرضا علیه السلام، المؤتمر للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۳۸۱.

۴. بقره، آیه ۱۰؛ مائده، آیه ۵۲.

۵. مائده، آیه ۴۱.

۶. کهف، آیه ۲۸.

۷. اعراف، آیه ۱۰؛ یونس، آیه ۷۴؛ محمد، آیه ۱۶.

۸. بقره، آیه ۷؛ انعام، آیه ۴۶؛ جاثیه، آیه ۲۳. مختوم و مطبوع: قلب‌هایی که به دلیل کثرت گناه، لاک و مهر شده و هدایت‌پذیر نباشند.

۹. محمد، آیه ۲۴. مقفول، به معنای قفل‌شده و غیر قابل هدایت است.

۱۰. بقره، آیه ۸۸؛ نساء، آیه ۱۵۵.

۱۱. غافر، آیه ۳۵.

سنگ‌دلی و بی‌رحمی است. عرب، به سنگ‌های خشن مثل سنگ خارا، «فاسی» می‌گوید. در معارف اسلامی، به دل‌هایی که تسلیم حق نمی‌شوند، «قلوب قاسیه»<sup>۱</sup> می‌گویند و شخصی که چشمه‌های جوشان مهر و محبت، نوع دوستی، احساس مسئولیت و حق‌پذیری از خانه دل وی رخت بر بسته، «قسی القلب» نامیده می‌شود. ثمره تفاوت دل‌ها را قرآن این‌گونه بازگو می‌فرماید:

«آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده ساخته و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته [همچون کوردلانی است که نور هدایت به قلب‌شان راه نیافته؟] وای بر آنان که در برابر ذکر خدا قساوت قلب دارند! آن‌ها در گمراهی آشکاری هستند.»<sup>۲</sup>

### عوامل شکل‌گیری قساوت قلب

همچنان که اگر آهن در مجاورت آب قرار گیرد، زنگ می‌زند، دل‌ها نیز در مجاورت برخی عوامل، زنگار به خود می‌گیرند. عواملی که باعث زنگار و قساوت قلب می‌گردد، زیاد است. در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. گناه

قلب انسان همان‌گونه که می‌تواند سیر صعودی داشته باشد و با «معرفت و ایمان و ذکر خدا» به مقام «سکینه و اطمینان» برسد و در جوار قرب الهی، مشمول خطاب «یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» قرار گیرد، ممکن است به واسطه گناه و غفلت، سیر نزولی ببیماید؛ البته در سیر نزولی، نخست در جایگاه حیوان قرار می‌گیرد؛ چنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ»<sup>۳</sup>، یا فرموده: «كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ»<sup>۴</sup> و یا می‌فرماید: «مَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ»<sup>۵</sup> بدیهی است که اگر چنین کسی توبه نکند و راه گناه را ادامه دهد، از حیوان

۱. مائده، آیه ۱۳؛ بقره، آیه ۷۴؛ انعام، آیه ۴۳.

۲. مائده، آیه ۱.

۳. فرقان، آیه ۴۴: «آنان فقط همانند چهارپایان‌اند.»

۴. مدثر، آیه ۵۰: «گویی، گورخرانی رمیده‌اند.»

۵. اعراف، آیه ۱۷۶: «مثل او، همچون سگ [هار] است.»

هم پست‌تر می‌شود: «بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»<sup>۱</sup> اگر همچنان راه گناه و سرکشی را ادامه دهد، یک پله دیگر نیز تنزل می‌کند و به سر حدّ سنگ و جماد می‌رسد: «فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ»<sup>۲</sup> تداوم غفلت از خدا، در نهایت، قلب را از سنگ سخت‌تر می‌کند: «أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً»<sup>۳</sup> سرانجام، بر اثر گناه، آن‌چنان درخت قساوت در وجود شخص گنهکار ریشه می‌دواند که او را از هستی ساقط می‌کند و در نتیجه، در زمره «مَنْ فِي الْقُبُورِ»<sup>۴</sup>، یعنی مردگان قرار می‌گیرد. از این رو، به پیامبر ﷺ خطاب می‌شود: «فَإِنَّكَ لَا تُسْمَعُ الْمَوْتَى»<sup>۵</sup> اگر می‌بینیم تلاوت آیات قرآن و نصیحت‌های مشفقانه، در برخی افراد بی‌تأثیر است، علتش کثرت گناه است؛ چنان‌که در آیات<sup>۶</sup> و روایات بسیاری، این حقیقت بیان شده است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَمَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكثْرَةِ الذُّنُوبِ»<sup>۷</sup> اشک‌های چشم خشک نمی‌گردد، مگر به جهت سخت شدن قلب‌ها، و دل‌ها قساوت پیدا نمی‌کنند، مگر به دلیل زیادی گناهان.

## ۲. غفلت از یاد خدا

قلب انسان تحت تأثیر دوگونه الهامات و القائنات قرار می‌گیرد؛ یکی، الهامات رحمانی است که از طریق یاد خدا، عبادت و اطاعت پروردگار، توسط فرشتگان بر دل‌ها می‌نشیند و باعث نرمی و رقت قلب و فزونی فهم و بصیرت می‌گردد و دیگری، القائنات شیطانی و هوای نفس است که سبب غفلت از یاد خدا و ترک عبادات، به‌ویژه نماز می‌گردد و آثار آن، زوال آرامش خاطر و کوردلی و قساوت قلب است. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ فِيهَا تَكُونُ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ»<sup>۸</sup> از غفلت بپرهیز؛ چه آن‌که غفلت، قساوت و سنگ‌دلی به دنبال دارد.

۱. فرقان، آیه ۴۴: «بلکه آنان گمراه‌تر از چهارپایان هستند.»

۲. بقره، آیه ۷۴.

۳. همان، آیه ۷۴.

۴. فاطر، آیه ۲۲.

۵. روم، آیه ۵۲: «تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی.»

۶. از جمله: بقره، آیه ۷۴؛ انعام، آیه ۴۳؛ حدید، آیه ۱۶.

۷. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: مکتبه‌الداوری، ج ۱، ص ۸۱.

۸. الحرانی، تحف العقول، پیشین، ص ۲۸۴.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! هرگز به فزونی مال و ثروت، دل خوش مکن و در هیچ حال، از ذکر و یاد من غافل مباش؛ زیرا مال و ثروت زیاد، گناهان را از یاد و خاطر انسان می‌برد و ترک ذکر من، سبب قساوت قلب می‌گردد.»<sup>۱</sup>

### ۳. حرام‌خواری

حرام‌خواری، سبب ضعف ایمان، عدم قبولی نماز، عدم استجابت دعاها، تکذیب آیات الهی و قساوت قلب می‌گردد. از این رو، قرآن از خوردن مال باطل نهی می‌کند: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ؛<sup>۲</sup> و اموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید.» البته حرام‌خواری، تنها خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه هر گونه تصرف غیر شرعی و غیر قانونی در مال مردم را شامل می‌شود. بدترین نوع حرام‌خواری، آن است که سبب فزونی گوشت و خون گردد. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ وَ أَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ الدَّمُ؛<sup>۳</sup> همه گناهان [از آن نظر که نافرمانی خدا است، کیفر و عقوبت آن‌ها] سخت است؛ ولی سخت‌ترین آن‌ها، گناهانی است که بر اثر آن، گوشت و خون بروید.»

حرام‌خواران، فرسنگ‌ها از بهشت دورند؛ زیرا بهشت، جای پاکان است و ناپاکان، طعمه جهنم‌اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ذَا طَابَ قَلْبُ الْمَرْءِ طَابَ جَسَدُهُ وَإِذَا خُبِثَ الْقَلْبُ خُبِثَ الْجَسَدُ؛<sup>۴</sup> هر گاه دل و درون آدمی پاک گردید، جسمش نیز پاک می‌شود و هر گاه دل ناپاک شد، جسم هم ناپاک می‌شود.»

در روایت آمده است که حضرت موسی علیه السلام شخصی را دید که دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرده و سخت گریه و دعا می‌کند. وحی شد که: «ای موسی! آن شخص هر

۱. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۹.

۲. بقره، آیه ۱۸۸.

۳. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴. صدوق، الخصال، پیشین، ج ۱، ص ۳۱.

قدر دعا کند، دعایش مستجاب نمی‌شود؛ زیرا در شکم و نطفه و خانه او، مال حرام وجود دارد.<sup>۱</sup>

جهت روشن‌تر شدن آثار مال حرام در زندگی و وجود انسان، به دو نمونه ذیل توجه کنید:

### – نمونه اول:

خلیفه عباسی (مهدی)، به شدت علاقه‌مند بود که ریاست دستگاه قضایی و مسئولیت تعلیم و تربیت خصوصی فرزندان خود را به شریک بن عبدالله که در علم و فقه و تقوا معروف بود، واگذار کند؛ ولی «شریک» زیر بار نمی‌رفت و به زندگی آزاد و فقیرانه‌ای که داشت، قانع بود.

روزی خلیفه او را طلبید و به او امر کرد که «باید امروز یکی از این سه کار را قبول کنی: یا عهده‌دار منصب قضا شوی، یا کار تعلیم و تربیت فرزندان مرا قبول کنی، یا آن‌که ناهار را امروز با ما باشی. شریک با خود فکری کرد و گفت: حالا که اجبار است و ناچارم، هم سفره شدن را می‌پذیرم. خلیفه به مسئولان آشپزخانه دستور داد که امروز لذیذترین غذاها را برای «شریک» تهیه کنید. غذاهای رنگارنگ آماده شد و شریک سر سفره نشست. او که تا آن روز چنین غذایی نخورده و ندیده بود، با اشتهای کامل خورد. شخصی، آهسته به خلیفه گفت: به خدا قسم! دیگر این مرد روی رستگاری را نخواهد دید. طولی نکشید که شریک هم عهده‌دار تعلیم فرزندان خلیفه شد و هم منصب قضاوت را قبول کرد و به طور رسمی، مزد بگیر حکومت عباسی شد. روزی با متصدی پرداخت حقوق حرفش شد. متصدی به او گفت: تو که گندم ناب به ما فروخته‌ای، این قدر سماجت می‌کنی! شریک گفت: چیزی از گندم بهتر به شما فروخته‌ام؛ من همه دین و ایمان خود را فروخته‌ام!<sup>۲</sup>

۱. رواندی، قطب‌الدین، الدعوات، قم: مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۴.

۲. مسعودی، مروج الذهب، بیروت: دار الفکر، ج ۲، ص ۱۲۳.

## - نمونه دوم:

هنگامی که لشکر عمر سعد، سپاه امام حسین علیه السلام را محاصره کرد و آماده حمله شد، امام در برابر دشمنان ایستاد و از آنان خواست که ساکت شوند تا چند جمله‌ای با آنان صحبت کند؛ ولی آن‌ها ساکت نشدند. امام به آنان فرمود: «وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید تا حرف‌هایم را بشنوید؟ من شما را به راه رشد و کمال دعوت می‌کنم؛ هر کس از من اطاعت کند، هدایت یافته و سعادت‌مند می‌گردد و هر که نافرمانی کند، هلاک شود؛ ولی شما از من نافرمانی می‌کنید و گوش به حرف‌هایم نمی‌دهید؛ برای این‌که شکم‌های شما از مال حرام پُر شده و بر دل‌های شما مهر شقاوت خورده است.»<sup>۱</sup>

## ۴. دنیاطلبی و زیاده‌خواهی

یکی از عوامل میراننده دل، فزون‌خواهی و دنیاطلبی است؛ چه آن‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ دوستی دنیا، سرچشمه همه گناهان است.» امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ مَفْسَدَةٌ لِلدِّينِ مَفْسَدَةٌ لِلْقَلْبِ؛ فراوانی مال، مایه تباه شدن دین و سخت شدن دل‌ها است.»

امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله که همیشه پیش از نماز به در خانه آن حضرت می‌رفت تا جهت اقامه نماز به جماعت با هم به مسجد بروند، مردی مؤمن، ولی بسیار فقیر به نام «سعد» بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همیشه نگران وضع دردمندان وی بود و می‌فرمود: ای سعد! اگر چیزی به من برسد، تو را بی‌نیاز می‌سازم. این انتظار به درازا کشید و اندوه رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز فزون‌تر می‌شد. خدای سبحان، برای رفع اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله، جبرئیل را با دو درهم پول به زمین فرستاد.

جبرئیل گفت: ای محمد! خداوند غم تو را نسبت به سعد می‌داند. آیا دوست داری او را بی‌نیاز سازی؟ فرمود: آری. جبرئیل گفت: پس، این دو درهم را بگیر و به او عطا کن و بگو با آن تجارت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو درهم را از جبرئیل گرفت و برای نماز ظهر

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۴۵، ص ۸.

۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۵.

۳. الحرائی، تحف العقول، پیشین، ص ۱۹۹.



بیرون رفت. دید سعد مانند هر روز، جلوی در خانه منتظر آمدن او است. خطاب به او فرمود: ای سعد! آیا تجارت کردن می‌دانی؟ سعد پاسخ داد: به خدا سوگند که تاکنون مال و ثروتی نداشته‌ام تا با آن تجارت کنم. رسول خدا ﷺ فرمود: این دو درهم را بگیر و با آن تجارت کن و امید گشایش روزی از خدای داشته باش.

سعد آن دو درهم را گرفت و پس از نماز ظهر، به تجارت روی آورد. او هر روز در کنار مسجد، بساط خود را پهن می‌کرد و به تجارت می‌پرداخت. به تدریج دنیا به سعد روی آورد و وضع مالی او خوب شد؛ ولی وضع دینی و معنوی وی تغییر کرد و خراب شد. روزی رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای سعد! دنیا تو را از اقامه نماز به جماعت باز داشته است! سعد گفت: چه کنم؟ اگر بساط خود را رها کنم، مالم ضایع می‌شود؛ گاهی به یکی چیزی فروخته‌ام، پولش را نگرفته‌ام یا از کسی جنسی خریده‌ام که باید بروم بهایش را بپردازم. دیگر به نماز اول وقت نمی‌رسم.

وضعیت جدید سعد، باعث شد که غم و اندوه رسول خدا ﷺ بیشتر از گذشته شود. روزی جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد! خداوند از ناراحتی شما نسبت به سعد آگاه است. کدام وضع سعد برای تو محبوب‌تر است؟ حضرت فرمود: حال اولش بهتر بود؛ چون در آن حالت، دین و آخرتش خوب بود؛ هر چند از دنیای زودگذر چیزی نداشت.

آن‌گاه جبرئیل علیه السلام به حضرت ﷺ عرض کرد: پس به سعد بگو: آن دو درهمی را که به تو داده‌ام، به من برگردان. پیامبر ﷺ به سعد فرمود: ای سعد! آیا نمی‌خواهی دو درهمی را که به تو داده‌ام، به من برگردانی؟ سعد گفت: آری، حاضرم دو بیست درهم بپردازم. فرمود: من فقط همان دو درهم را می‌خواهم. سعد آن دو درهم را برگرداند؛ اما از آن روز به بعد، دنیا به سعد پشت کرد و هر چه جمع کرده بود، از دستش رفت و به همان حالت قبلی برگشت.<sup>۱</sup>

## ۵. شراب‌خواری

مطابق سخن رسول خدا ﷺ، شراب‌خوار به پنج بلا گرفتار می‌گردد که نخستین آن، قساوت قلب است؛ آن حضرت فرمود:

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۵، ص ۳۱۲.

«خداوند شراب‌خوار را به پنج چیز گرفتار سازد: اگر بار اولش باشد، به قساوت قلب مبتلا می‌شود. اگر بار دومش باشد، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان از او متنفر می‌شوند. اگر بار سوم بخورد، همه پیغمبران و امامان نیز از او بیزار و متنفر می‌گردند. در نوبت چهارم، خداوند بلندمرتبه نیز از او متنفر می‌شود و رحمت خود را از او برمی‌دارد و اگر بار پنجم بیاشامد، مشمول این آیه شریفه می‌شود: "و اما کسانی که فاسق شدند، جایگاه همیشگی آنها آتش است. هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، [نمی‌توانند؛ چون مأموران الهی] آنها را به آن بازمی‌گردانند و به آنان گفته می‌شود: بچشید عذاب آتشی را که انکار می‌کردید."<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌گساری را کلید همه شرارت‌ها و خباثت‌ها شمرده و می‌فرماید: «شراب، کلید هر شرّ و بدی است و کسی که پیوسته شراب می‌خورد، همانند بت‌پرست است. قطعاً شراب، ریشه هر گناهی است و شراب‌خوار، منکر وحی و قرآن کریم است؛ زیرا اگر کتاب خدا را باور می‌داشت، حرام آن را حرام می‌دانست و به آن نزدیک نمی‌شد.»<sup>۲</sup>

## ۶. پُر خوری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از پُر خوری دوری گزینید؛ چه آن‌که قلب را مسموم و سبب قساوت آن می‌شود و اندام‌ها را در طاعت خدا کُند می‌کند و گوش دل را از شنیدن موعظه باز می‌دارد.»<sup>۳</sup> و در کلام دیگر می‌فرماید: «لَا تُمَيِّتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ؛<sup>۴</sup> با خوردن آب و غذای فراوان، دل را نمیرانید.»

لقمان حکیم به فرزندش گفت: ای فرزند! هیچ وقت معده خود را با آب و غذا پُر مکن؛ چه این‌که وقتی معده پُر شود، قوه فکر می‌خوابد و حکمت و دانایی لال می‌شود و اعضا و جوارح، از عبادت باز می‌ایستند.»<sup>۵</sup>

۱. راوندی، الدعوات، پیشین، ص ۲۴.

۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۶، ص ۴۰۳.

۳. حلی، احمد بن فهد، عدة الداعی، قم: دار الكتاب الإسلامی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۳.

۴. الفتال، محمد بن الحسن، روضة الواعظین، قم: دار الرضی، ج ۲، ص ۴۵۷.

۵. نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، تهران: انتشارات امین و رشیدی، ص ۲۳۵.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «الْمَعِدَةُ بَيْتُ الْأَدْوَاءِ وَالْحَمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ لَنَا صِحَّةٌ مَعَ النَّهْمِ؛<sup>۱</sup> معده، خانه همه دردها است و پرهیز، سرآمد همه داروها است. تن‌درستی، با پرخوری جمع نمی‌شود.»

قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛<sup>۲</sup> بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.» اگرچه مفهوم این آیه شریفه بسیار ساده به نظر می‌رسد، اما امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که سرچشمه بسیاری از بیماری‌ها، غذاهای اضافی است که به صورت جذب‌نشده در بدن انسان باقی می‌ماند. این مواد اضافی، هم بار سنگینی است برای قلب و سایر دستگاه‌های بدن، و هم منبع آماده‌ای است برای انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها. عامل اصلی تشکیل این مواد مزاحم، اسراف و زیاده‌روی در تغذیه و به اصطلاح «پرخوری» است و راهی برای جلوگیری از آن، جز رعایت اعتدال در غذا نیست.<sup>۳</sup>

نقل شده که هارون الرشید پزشک مخصوصی به نام بختیشوع داشت. روزی این پزشک مسیحی، به یکی از دانشمندان اسلامی به نام علی بن حسین واقد گفت: من در کتاب آسمانی شما چیزی از علم پزشکی نیافتم؛ در حالی که دانش مفید برای بشر، یکی علم ادیان است و دیگری علم پزشکی. او در پاسخ گفت: خداوند همه دستوره‌های پزشکی را در این آیه شریفه آورده است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.» پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تمام پزشکی را در این جمله خلاصه کرده است: «معده، خانه همه بیماری‌ها است و امساک و پرهیز، سرآمد همه داروها است و آنچه بدنت را به آن عادت داده‌ای (عادات صحیح و مناسب)، آن را از او دریغ مدار. تن‌درستی، با پرخوری جمع نمی‌شود.» پزشک مسیحی وقتی این سخن را شنید، گفت: قرآن و پیامبر شما، از علم پزشکی چیزی برای جالینوس باقی نگذاشته‌اند.<sup>۴</sup>

۱. راوندی، الدعوات، پیشین، ص ۷۷.

۲. اعراف، آیه ۳۱.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص ۱۵۳.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۳۸. (با اندکی ویرایش و تصرف در عبارت)

## ۷. سرگرم شدن به کارهای بیهوده

اشتغال به هر کاری و چیزی که از مصادیق «لهو» باشد و آدمی را از یاد خدا غافل کند، سبب سنگ‌دلی و نفاق می‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُوْرَثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ تُوْرَثُ النِّفَاقَ؛<sup>۱</sup> پس، قطعاً کارهای لهو، سبب سنگ‌دلی و نفاق می‌گردد.» گوش دادن به هر حرفی یا آوازی و یا سرگرم شدن به هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند، از مصادیق «لهو» شمرده می‌شود. علامه طباطبایی رحمته الله می‌فرماید: «لهو، به معنای هر چیزی است که آدمی را از مهمش (از کاری که مهم‌تر از آن است) باز بدارد و لهو الحدیث، آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف نموده و به خود مشغول سازد؛ مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند، و یا از قبیل: سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو.»<sup>۲</sup>

## راه‌های پیش‌گیری یا درمان قساوت قلب

در قرآن کریم و روایات، راه‌های بسیاری برای پیش‌گیری یا درمان زنگار قلب و دست‌یابی به نورانیت مطرح شده است. در ذیل، به برخی از این راه‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. معرفت به خدا و تقوای الهی

هیچ سلامتی، همانند سلامتی قلب نیست؛ چنان‌که امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «لَا سَلَامَةَ كَسَلَمَةِ الْقَلْبِ.»<sup>۳</sup> قلب، به دلیل آن‌که گوهر اصیل هویت انسان است و از لحاظ بینش، بر اساس «فطرت توحیدی» و از جهت گرایش، بر مبنای «فطرت تقوا» آفریده شده، تنها در سایه معرفت و تقوای الهی، سالم، لطیف، مهربان، پاک، آکنده از رقت و عواطف انسانی می‌ماند.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۳، ص ۳۵۶.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش، ج ۱۶، ص ۳۱۴.

۳. الحرائی، تحف العقول، پیشین، ص ۲۸۶.

## ۲. ذکر و یاد خدا

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «تَعَرَّضْ لِرِقَّةِ الْقَلْبِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ فِي الْخَلَوَاتِ وَاسْتَجْلِبْ نُورَ الْقَلْبِ بِدَوَامِ الْحُزْنِ؛<sup>۱</sup> با یاد بسیار خدا در خلوت و تنهایی، رقت و نرم‌دلی را جست‌وجو کن و با اندوه طولانی [در مورد خطاها و گناهان خود]، دل خویش را نورانی کن.» قرآن کریم، مؤمنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد که چرا با ذکر خدا دل‌های خود را جلا و نورانیت نمی‌دهید و از قساوت دور نمی‌سازید: «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است، خاشع گردد؟ و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آن‌ها کتاب آسمانی داده شد. سپس، زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلب‌های‌شان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آن‌ها گنهکارند.»<sup>۲</sup>

## ۳. خدمت به فقرا

یکی از راه‌های درمان سنگ‌دلی، خدمت به فقرا و محبت و نوازش کردن یتیمان است. روزی مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از قساوت قلب خود شکایت کرد. حضرت به او فرمود: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَلِينَ قَلْبُكَ فَأَطْعِمِ الْمَسْكِينِ وَامْسَحْ رَأْسَ الْيَتِيمِ؛<sup>۳</sup> هرگاه خواستی قلبت ملایم و نرم شود، به فقرا غذا بده و بر سر یتیمی دست بکش و او را مورد مهر و محبت قرار ده.»

همچنین از آن حضرت نقل شده است: هر کس از شما از سنگ‌دلی رنج می‌برد، باید به نزد یتیمی برود و او را مورد مهر و محبت خود قرار دهد و به سرش دست بکشد. در این صورت، خداوند دل او را نرم می‌گرداند. همانا یتیم را حقی است. در حدیثی دیگر آمده است: [برای نرم شدن دل، باید] یتیم را بر سفره خود بنشانید و دست بر سر او بکشید.<sup>۴</sup>

۱. الحرائی، تحف العقول، پیشین، ص ۲۸۴.

۲. حدید، آیه ۱۶.

۳. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، نجف اشرف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق، ص ۱۶۷.

۴. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۸.

#### ۴. خاموشی و کم‌گویی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ بِحَقَائِقِ مَا سَبَقَ وَ جَفَّ الْقَلَمُ بِهِ؛<sup>۱</sup> صمت و خاموشی، شیوه اهل تحقیق است و شعار کسانی است که به چشم بصیرت در احوال گذشته‌ها نظر کرده و عبرت می‌گیرند.» سپس حضرت فواید بسیاری برای آن بیان نمود و از جمله فرمود: «وَ حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ وَ زَوَالُ قَسْوَةِ الْقَلْبِ؛<sup>۲</sup> [یکی دیگر از فواید خاموشی، درک لذت عبادت و زایل شدن قساوت دل است.» همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت مسیح پیوسته به اصحاب خود می‌فرمود: «لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ الَّذِينَ يُكْثِرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةٌ قُلُوبُهُمْ وَ لَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ؛ به غیر از ذکر و یاد خدا، زیاد سخن نگویند؛ چون کسانی که زیاد سخن می‌گویند، سنگ‌دل می‌گردند؛ اما نمی‌دانند.»<sup>۳</sup>

۱. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، بیروت: الناشر مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱.

۲. همان.

۳. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۴.